

گوبکلی تپه : نخستین نیایشگاه انسان شکارگر

بهمن فیروزمندی^۱، بابک شیخ بیکلو اسلام^۲

۱- دانشیار گروه باستان شناسی دانشگاه تهران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد باستان شناسی

bfiroz@ut.ac.ir

تاریخ دریافت ۹۱/۱۰/۱ تاریخ پذیرش ۹۱/۱۲/۲۵

چکیده :

در حدود دوازده هزار سال پیش از این، در عصری که از سوی باستان شناسان موسوم به دوره نوسنگی شدن می باشد، روی تپه ای به نام گوبکلی، واقع در جنوب شرقی ترکیه و ۱۵ کیلومتری شمال شرقی شهر باستانی اورفا (شانلی اورفا)، جوامع انسانی خویشاوند، هم کیش یا هم پیمان، تصمیم به احداث یک مرکز آیینی به منظور اجرای شعائر خاص خود نمودند که مشخصه آن، سنگهای T شکل بزرگی می باشد که با انواع نقوش جانوری حکاکی شده اند و به حالت مدور (و در مرحله بعد، به صورت راست گوشه) بر روی زمین نصب گردیده اند. در میان هر دایره، دو ستون در برابر هم در سطح بالاتری نسبت به ستونهای پیرامون شان ایستاده اند که به باور بعضی از محققین، نمادی از دو جنس زن و مرد هستند. این محوطه آیینی که هنوز رموز بسیاری را در پس خود پنهان نموده، اما، در هزاره هشتم پیش از میلاد، به دلایلی نامعلوم، با توده عظیمی از خاک مدفون شده و سپس برای همیشه رها گردیده است. کلاوس اشمیت، از موسسه باستان شناسی آلمانی (DAI)، که از ۱۹۹۵ مشغول کاوش در این محوطه است، آنرا خاستگاه تشکیل اجتماعات پیشرفته شکارگر- جمع آورنده و محل احتمالی ظهور کشاورزی و اهلی سازی گیاهان می داند، ولی شاید بر اساس ماهیت مذهبی این معبد کلان سنگی باستانی بتوان آنرا مکانی برای زادمان نیروهایی دانست که بعدها در عرصه خاور نزدیک، به شکل خدایانی قدرتمند و تاثیرگذار، فرمانروای مطلق العنان آدمیزادگان گردیدند.

واژگان کلیدی : کشاورزی، شکارگر- جمع آورنده، نیایشگاه کلان سنگی، نوسنگی بی سفال، نقوش جانوری.

مقدمه

موضوع چگونگی اهلی سازی گیاهان و جانوران در خلال زندگی انسان، از دیر باز برای باستان شناسان حائز اهمیت بوده است، چرا که این نوآوری سرنوشت ساز دارای پیوند محکمی با یکجانشینی و استقرار دائمی می باشد. در این خصوص گروهی از محققین باستان شناس بر روی تغییرات آب و هوایی متمرکز شده اند، گروهی دیگر روی DNA گونه های مختلف گیاهی و جانوری مطالعه می کنند، عده ای رسالات کلیسا را حجت قرار داده و سعی در پاسخگویی به سوالات بی جواب با بهره گیری از این مکتوبات مقدسه دارند، و اما در این میان باستان شناسانی نیز یافت می شوند که به بررسی مسائل انتزاعی و ذهنی یا باورهای معنوی مردمان دنیای باستان می پردازند. به زعم ایشان تاثیر معنویات در روان انسانها همیشه بیشتر و عمیقتر از تصور ما بوده است؛ بنابراین شگفت آور نیست که در جدول تطور فرهنگی، موجبات جهش های بلندی را فراهم نموده باشند. شاید یکی از پیش قراولان این دسته از پژوهشگران را بتوان ژاک کاون معرفی نمود. او در کتاب مشهور خود به نام "زادمان خدایان، خاستگاه کشاورزی" مفصلاً به اثر گذاری آیینها و باورهای بدوی انسانی توسط نمادهای به جا مانده از روزگار باستان پرداخته است. گوبکلی تپه، در جنوب شرقی ترکیه، مکانی میان دو رود دجله و فرات، یکی از محوطه هایی است که در حدود هزاره دهم پیش از میلاد، یعنی در پایان دوره سرد و خشک پله ایستوسن و آغاز دوره گرم تر و مرطوب تر هولوسن، زمانی که هنوز اجتماعات کوچگر شکارگر- جمع

آورنده غذا روش زندگی یکجانشینی دائمی را نیازموده بودند، جوامع انسانی را برای نیایش به درگاه نیروهای مرموز طبیعت فرا می خواند تا علیرغم ایجاد پیوندهایی ناگسستنی میان این مردمان هم کیش، موجبات تبادل نظر و تشریک مساعی در مورد مسائل مختلف را فراهم بیاورد. همچنین از دستاوردهای دیگر این گردهماییهای آیینی، رونق مبادلات اقتصادی بوده است. به باور کلاوس اشمیت که از سال ۱۹۹۵ مدیریت گروه حفاری در گوبکلی تپه را بر عهده داشته است، این محوطه آیینی احتمالاً همان جایبست که در آن برای اولین بار کشت غلات به طور عمدی و با برنامه ریزی قبلی به قصد تامین مواد غذایی زائران و یا سازندگان بناهای عظیم و شگفت انگیز آن انجام گرفته است. متأسفانه، اما، به همان شیوه ای که می توان درباره چگونگی و چرایی ساخت این مکان آیینی که ظهور دوره نوسنگی را در پی خود به انتظار می کشید سخن گفت، در مورد علت یا علل ترک آن به راحتی نمی تواند اظهار نظر نمود. شاید بهره گیری بی وقفه از خاک و عدم رعایت دوران منظم آیش، قوت زمین زیر کشت را به تدریج زائل کرده و موجب از بین رفتن پوشش گیاهی و به تبع کوچیدن جانوران بومی این منطقه شده باشد که سرانجام به همین دلیل، یعنی فقدان حاصلخیزی خاک و کمبود حیوانات شکاری، زائرین طاقت دوام در این محوطه را از کف داده و برای همیشه آنرا رها کرده اند، ولی پیش از آن، البته لازم دیده اند به جهت جلوگیری از دستیازی، اهانت و تخریب احتمالی این مکان مقدس توسط گروههای غیر هم کیش، آنرا با توده ای از خاک بپوشانند.

(Schmidt, 2010). گوبکلی تپه ۸۰۰ متر بالاتر از سطح دریا واقع شده (Peters, Schmidt, 2004) و از این جهت دارای آب و هوای معتدلی می باشد. اورفا (یا شانلی اورفا) که بر روی لبه بارانی رشته کوههای تاوروس، منبع همان رودی که در شهر مذکور جاریست و به فرات می پیوندد، قرار گرفته است، واحه ای بوده (و هم اکنون نیز هست) که می تواند دلیل بنا شدن گوبکلی تپه را در همجواری خود توجیه نماید (Coppens, 2009). در سمت شمال این تپه، رشته کوه های تاوروس؛ در وجه شرقی، کاراجاداغ و در جنوب آن دشت حران قرار گرفته که تا سوریه امتداد یافته است. در سمت غرب، برجستگیهایی وجود دارند که روی آنها مسیری از روستای اورنجیک تا محوطه مزبور کشیده شده است (Birch, 2008). در حال حاضر اگرچه این ناحیه خشک و بی حاصل گشته و به صورت بیابان درآمده ولی باید اذعان داشت که در زمان ساخت این نیایشگاه، ناحیه پیرامون آن بسیار سرسبزتر از امروز بوده و ظرفیت نگهداری جانوران گوناگونی را داشته است (Curry, 2008).

با وجودیکه هنوز بخش اعظمی از این محوطه کاوش نگردیده ولی حداقل ۲ مرحله از معماری یادمانی آیینی بدست آمده است. از این لایه ها، آنکه قدیمتر است از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد. ویژگیهای اصلی این بناها، ستونهای کلان سنگی T شکلی است که هر کدام به وزن چندین تن می باشند. آنها به منظور احداث نیایشگاه های مدور عظیمی که در مرکزشان یک جفت از همین ستونها روبروی هم قرار گرفته اند، بر پا شده اند. قطر دوایر

عملی که باعث گردیده هنوز این سنگهای عظیمی که به زیبایی با نقوش مختلف جانوری و علائم تصویری نامکشوف حکاکی شده اند، دست نخورده در محل اولیه خود باقی بمانند و امروز بعد از قریب دوازده هزار سال، ما بتوانیم در موردشان با ابهامی آمیخته به احترام سخن بگویم.

گوبکلی تپه

گوبکلی تپه، ابتدا توسط پیتر بندیکت در مقاله ای تحت عنوان "بررسی در جنوب شرقی آناتولی" (Benedict 1980)، که شامل نتیجه مفصلی از کار مشترک پژوهشی پیش از تاریخی انجام شده از طرف دانشگاه های استامبول و شیکاگو در بین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۲ در جنوب شرقی آناتولی (Cambel, Braidwood 1980) بود، مورد اشاره قرار گرفت (Schmidt, 2000).

گوبکلی تپه که به ناف یا وسط دنیا تعبیر می شود، به معنی تپه برجسته و یا تپه شکم دار می باشد (Coppens, 2009). این تپه برجسته یکی از مهمترین محوطه های نوسنگی در دنیاست؛ تپه ای مصنوعی که به دوره نوسنگی پیش از سفال تاریخ گذاری شده است (تصویر ۱). این تپه که محوطه ای غیر استقراری بوده شامل فضاهاى مقدس گوناگونی است که به شکل نیایشگاه های کلان سنگی مدور می باشند. این محوطه باستانی در حدود ۱۵ کیلومتری شمال شرقی شهر شانلی اورفا، در جنوب شرقی ترکیه، واقع شده است. نهشته های عظیم لایه های آن تا ارتفاع ۱۵ متری، روی چندین هزاره و بر سطح محوطه ای در حدود ۹ هکتار انباشته شده اند

گرفت. به بیان اشمیت این مکان یک ستاره درخشان است که زیر درختی تنها بر بلندای تپه ای که از بادهای پر قدرت مصون نیست در ۳۵ مایلی شمال مرز ترکیه با سوریه قرار گرفته است. او می گوید: "در اولین لحظه نگرستن به آن، من دانستم که دو راه پیش روی دارم: رفتن و صحبت نکردن با هیچکس یا صرف کردن مابقی عمرم با کار کردن در اینجا" (Birch, 2008).

اشمیت می گوید که تکه سنگهای روی سطح تپه به سرعت او را از پیش از تاریخی بودن این محوطه آگاه کردند. قبل از آن، این تپه زیر کشت بوده است؛ نسلهای پی در پی ساکنین محلی مکرراً سنگها را حرکت داده و به صورت کومه هایی روی هم انباشته بودند که احتمالاً مدارک باستانشناسی بسیاری در اثر این اعمال از بین می رفته اند (Curry, 2008).

یان هادر، انسان شناس از دانشگاه استنفورد که از ۱۹۹۳ سرپرستی حفاریهای چاتال هویوک، مشهورترین محوطه نوسنگی ترکیه را بر عهده داشته، می گوید: "همه گمان می کنند تنها جوامع طبقاتی پیچیده قادر به ساختن چنین بناهایی بوده اند و اینکه آنها تنها پس از ابداع کشاورزی پدید آمده اند." او ادامه می دهد، "گوبکلی تپه همه چیز را تغییر داد. این محوطه شگفت انگیز و پیچیده است و متعلق به پیش از دوره کشاورزی می باشد. همین حقیقت به تنهایی گوبکلی تپه را به عنوان یکی از مهمترین یافته های باستانشناختی تا مدتهای مدیدی مطرح نگه خواهد داشت" (Birch, 2008).

بین ۱۰ تا ۲۰ متر است و ۱۰ تا ۱۲ ستون هر دایره با دیوارهایی قلوه سنگی به یکدیگر مرتبط می باشند. نیایشگاه های مزبور با حروف A, B, C و D، بر حسب ترتیب زمان کشف آنها در سالهای اولیه کاوش، مشخص گردیده اند. سپس نیایشگاههای E, F و G نیز به آنها اضافه شده اند، ولی آنها آثار یادمانی چهار نیایشگاه اولی را نشان نمی دهند (تصاویر ۲، ۳ و ۴) (Schmidt, 2010).

همانطور که گفته شد، گوبکلی تپه طی بررسیهای دهه ۶۰ میلادی توسط بندیکت شناسایی گردید ولی به دلیل تمرکز کاوشگران بر روی محوطه باستانی چای اونو، گوبکلی تپه به فراموشی سپرده شد (Schmidt, 2000). لازم به ذکر است که بندیکت، این محوطه را یک قبرستان بیزانسی تشخیص داده بود. در حدود سه دهه بعد، یک چوپان کرد به نام ساواک بیلدیز در حالی که روی این تپه قدم میزد متوجه تخته سنگ عجیبی شد که به نظر طبیعی نمی رسید. او با کنار زدن گرد و خاک از روی آن، تصاویر حکاکی شده روی این سنگ بزرگ را مشاهده نمود و این موضوع را به اطلاع مقامات ذیربط در موزه شهر اورفا رسانید و آنها نیز پس از بررسی، وزیر عتیقه جات ترکیه را از وجود این محوطه شگفت انگیز مطلع نمودند. این واقعه در سال ۱۹۹۴ رخ داد (Coppens, 2009) و باعث گردید موسسه باستان شناسی آلمانی در استامبول به خواست نماینده دولت ترکیه، یک هیات کاوشگر را به منطقه مزبور روانه کند که در بین این گروه، کلاوس اشمیت نیز حضور داشت و ایشان بود که در سال بعد رهبری تیم حفاری گوبکلی تپه را بر عهده

فرهنگهایی که گوبکلی تپه را بوجود آوردند، خوک، گوسفند، گاو و بز را اهلی کرده بودند و گونه هایی از گندم، نظیر اینکورن را نیز کشت می کردند. در واقع آزمایشهای اخیر نشان می دهند که کاشت گندم اهلی شده اولین بار در کاراجاداغ، کوهی در ۳۲ کیلومتری گوبکلی تپه، انجام گرفته است. خاستگاه غلات دیگری همچون چاودار و جو دوسر نیز همین مکان می باشد (تصویر ۳۸). بر طبق نظر اشمیت این نوآوری در حدود ۸۰۰۰ ق.م رخ داده است. آسان و وسوسه کننده است که ما این ناحیه را به عنوان بستر تمدن شناسایی کنیم ولی حقیقت امر چنانچه پیشتر اثبات گردیده این است که، ذرت نیز به طور همزمان در مکزیکو تحت کنترل درآمده بوده و واقعیت مذکور بخوبی بیانگر اینست که چطور حدود تمدن به هر دو قاره می رسند. در حقیقت، مدارکی از گوسفندان وحشی به قدمت ۱۸۰۰۰ ق.م موجودند که توسط نیاکان ما در شمال آفریقا نگهداری می شدند. بعلاوه، غلات گوناگونی چون گندم امر که در محوطه فلسطینی نهال اورن یافت شده اند، بیانگر کشت این محصول در حدود ۱۴۰۰۰ ق.م در این منطقه می باشد (Coppens, 2009).

ستونهای گوبکلی تپه که از یک سنگ آهکی خیلی سخت و کاملاً کریستالی ساخته شده اند، ماندگارترین اشیای محوطه مزبور را تشکیل می دهند. برای ساخت تک سنگهایی با بلندی ۴ تا ۵ متر و بعضاً ۷ متر، مردمان نوسنگی نیاز به سنگ آهک مرغوبی داشتند که در هر جایی یافت نمی شد (تصویر ۸). این دلیلی برای احداث محوطه متبرک مذکور در این فلات است که دارای سنگهای آهکی

با چنین کیفیتی می باشد. ستونها معمولاً مرتبط با دیوارهایی می باشند که فضای داخلی و خارجی نیایشگاه را از هم جدا می کنند. دیوارها عمدتاً از سنگهای بادبر (ashlar)، بعضی اوقات شامل spoliae (خرده های ستونها و سنگهای شکل یافته دیگر معمول در محوطه)، در استفاده ثانویه بعنوان سنگهای دیواری، ساخته شده اند. یک لایه ملاط گل به ضخامت ۲ سانتی متر مابین سنگها وجود دارد. اما ملاط مزبور مشکلی جدی برای حفاظت این محوطه است، زیرا آب باران به دلیل اینکه می تواند براحتی گل نرم را بشوید، برایش مخرب می باشد. همین مشکل توسط نیروی باد نیز بوجود می آید. فرسایش بادی نیز مسئله بزرگ دیگریست و سومین خطر، حشرات می باشند که مایلند در فضای بین سنگها لانه سازی کنند چون ملاط گلی مزبور بسیار نرم است و ایجاد حفره در آن به آسانی میسر می باشد (Schmidt, 2010).

اشمیت معتقد است که حفاری می تواند به خوبی تا پنجاه سال دیگر ادامه یابد (تصویر ۷) (Curry, 2008). با کشف تنها بخش کوچکی از این محوطه، هنوز اهمیت گوبکلی تپه برای کسانی که سازندگان آن بودند روشن نشده است. بعضی ها گمان می کنند این محوطه با دو سنگ بلند در مرکز هر دایره که نشانگر یک مرد و یک زن می باشند، مرکز اجرای نوعی شعائر باروری بوده است. این فرضیه ایست که با حرارتی بسیار از طرف انجمن توریستی شهر اورفا بیان شده است؛ "باغ عدن را ملاقات کنید، آدام و ایو را ببینید!"

مشاهده می باشند. از این محوطه یک سنگ پنجره دار با دو حفره مستطیلی نیز بدست آمده است. از این گونه پنجره ها با یک حفره مستطیلی قبلاً نیز از لایه های قدیمی تر بدست آمده بود ولی این نمونه از این نظر مهم است که نقش برجسته های جانوری در لبه هایش وجود دارند (تصاویر ۳۲ و ۳۳) (Schmidt, 2010).

اشمیت گوبکلی تپه را یک مکان مرکزی برای اجرای شعائر مربوط به آیین مرگ قلمداد می کند. او پیشنهاد می دهد که وجود حیوانات حکاکی شده در آنجا برای حمایت از مرده می باشد. اگر چه هیچ مقبره یا گوری تا کنون بدست نیامده است، ولی اشمیت معتقد است که آنها زیر سطوح دایره ای مقدس می باشند و باید این قسمتها را کاوید. (Curry, 2008).

گوبکلی تپه یکی از محوطه های گوناگون در مجاورت کوه کاراجا است، ناحیه ای که (چنانچه ذکرش رفت) دانشمندان علم ژنتیک تصور می کنند خاستگاه حداقل بعضی از غلات کشت شده باشد (نظیر اینکورن). این محققان پیشنهاد می کنند که انقلاب نوسنگی یا دوران آغازین کشت غله در اینجا رخ داده است. اشمیت و دیگران معتقدند که گروههای کوچگر در این سرزمین به منظور محافظت دانه های خودرو از حیوانات وحشی (همچون گله های غزالها و خرهای وحشی) مجبور به تعاون با یکدیگر شدند که این بایستی به یک سازماندهی اجتماعی اولیه گروه های مختلف در منطقه گوبکلی تپه انجامیده باشد. بنابراین، بر طبق نظر اشمیت، نوسنگی در یک مقیاس کوچک و به شکل نمونه

اما اشمیت درباره فرضیه باروری تردید دارد. او احتمال میدهد گوبکلی تپه "آخرین دوره شکوفایی دنیای نیمه کوچگر که بزودی با ابداع کشاورزی از بین رفت" باشد و اشاره می کند که اگر این محوطه اکنون در شرایطی نسبتاً عالی است به این دلیل می باشد که با وجود از بین رفتن تمامی مفاهیم دنیای غنی جانوران وحشی آن، توسط همان کسانی که آنرا ساخته بودند زیر خروارها خاک مدفون شده است (تصویر ۵) (Birch, 2008).

در کار میدانی ۲۰۰۹، کاوش جدیدی روی برجستگی شمال غربی تپه مزبور انجام گرفت (تصویر ۶). چنانچه انتظار می رفت، شاخصه معماری لایه II، با اتاقهای مستطیلی کوچک و ستونهای T شکل کوچک در اغلب ترانشه ها کشف گردید. یک نقش تخت روی سطح یکی از این تک سنگها قابل مشاهده است که به سادگی به عنوان قسمت فوقانی بازوی ستون مزبور تشخیص داده می شود، چنانچه نقش بازوان که در لایه II بسیار رایج است مفهوم انسان نمایی این آثار را بازگو می نماید (تصاویر ۱۰ و ۱۱). کشف یک نیایشگاه کلان سنگی تاکنون ناشناخته در نواحی کاوش جدید، روی برجستگی شمال غربی، به واقع یک چیز غیر منتظره نبود، زیرا قبلاً توسط روشهای ژئوفیزیکی شناسایی شده بود. تنها ستون یادمانی یافت شده در این بخش، نزدیک به یک متر زیر سطح قرار داشت. ستونهای دیگر متعلق به این بنا، کشف نشده اند و این به روشنی میتواند بازگو نماید که ستونها و دیوارهای بدست نیامده در عمق بیشتری دفن شده اند. باید اذعان داشت که آنها در گزارش ژئوفیزیکی قابل

جلسات مداوم در مکانی خاص، یک عامل اساسی برای ظهور پیش زمینه های نوسنگی شدن باشد (Schmidt, 2000). اشمیت معتقد است که سازندگان این بنا مبادرت به کاشت دانه های وحشی بر روی تپه مزبور جهت تغذیه خود نمودند و این دلیل اصلی بوجود آمدن کشاورزی می باشد. او بر این باور است که مذهب، مردم را به سوی ابداع کشاورزی سوق داده است (Coppens, 2009).

در حالیکه محوطه مذکور ظاهراً به دوره نوسنگی پیش از سفال اولیه تعلق دارد، تا کنون هیچ گونه آثاری از گیاهان و جانوران اهلی شده یافت نشده است. اشمیت گمان می کند که این محوطه یک نقش کلیدی را در گذار به کشاورزی ایفا کرده است؛ به فرض او، سازمان اجتماعی لازم که برای خلق این سازه ها ضروری بوده، با بهره گیری سازمان یافته از محصولات وحشی ارتباط نزدیکی داشته است. به عنوان مایحتاج زندگی، دانه های وحشی با شدت بیشتری نسبت به قبل مصرف می گردیدند، تا جاییکه این احتمال وجود دارد که به صورت خواسته کشت می شده اند. آنالیز اخیر DNA گندم اهلی مدرن در مقایسه با گندم وحشی نشان داده است که شباهت DNA آن به گندم وحشی یافت شده در کوه کاراجا واقع در ۲۰ مایلی محوطه مزبور نزدیکتر است و این باور را به وجود می آورد که این همان جاییست که گندم امروزی برای اولین بار اهلی شده است (Heun et al, 1997).

باستانشناس، اوفر بن یوسف از دانشگاه هاروارد می گوید: "احداث اماکنی شبیه به گوبکلی تپه با

های منفرد زراعت شروع نشد بلکه به سرعت به صورت یک سازماندهی اجتماعی در مقیاس بزرگ آغاز گردید ("یک انقلاب تمام عیار") (Klaus-Dieter Linsmeier, 2006).

اما گوبکلی تپه دارای نمادهای باروری بسیار کمی نسبت به همه محوطه های نوسنگی که تا کنون یافت شده اند می باشد و ستونهای T شکل در حالیکه به روشنی نیمه انسان هستند دارای جنسیت نمی باشند. اشمیت با اشاره به یکی از بزرگترین سنگها می گوید: "به گمان من ما در اینجا با بدوی ترین تمثال خدایان روبرو هستیم" و ادامه می دهد، "آنها چشم ندارند، دهان ندارند، صورت ندارند ولی دارای بازو و دست می باشند؛ آنها آفریننده هستند. به عقیده من کسانی که آنها را ساخته اند بزرگترین سوالات درباره همه چیز را از خود می پرسیدند." (Birch, 2008).

اما، کار در معادن مزبور که در تمامی فلات سنگ آهکی در اطراف گوبکلی تپه واقع شده اند و ساخت این محوطه کلان سنگی نمی توانست در ظرف چند روز و توسط عده قلیلی انجام شده باشد. احتمالاً زندگی طولانی مدت شکارگر- جمع آوران در گوبکلی تپه موجب بهره برداری عظیم منابع طبیعی محلی گردیده است. لذا این فرضیه بوجود می آید که یک راه حل در استفاده کنترل شده بعضی از منابع موجود - عمدتاً غلات - توسعه یافته بود که در نهایت منجر به کشاورزی اولیه شد. نقطه آغاز آن یک حادثه ناخوشایند طبیعی نبود که مردم برای گریز از آن بتوانند به منطقه ای دیگر مهاجرت کنند. به نظر میرسد تفکر آنها، برای تشکیل

لایه نگاری با توجه به معماری و صنعت ابزار سنگی

قدمت لایه III و نیایشگاه های یادمانی آن حایز اهمیت می باشد؛ آنها می توانند تا هزاره دهم ق.م (با آزمایش کربن 14) تاریخگذاری شوند. این عصری است که مردمان سراسر جهان هنوز شکارگر و جمع آورنده غذا بودند، به جز در منطقه هلال حاصلخیزی خاور نزدیک، جایی که انسانها شروع به یکجانشینی در روستاهای دائمی نمودند و فعالیت هایی که منجر به اهلی سازی گیاهان و جانوران میگردد را آغاز کردند. تردیدی نیست که گوبکلی تپه یک محوطه استقرار در این عصر نبود بلکه مکانی بود مقدس و آیینی، چرا که کاوشها هیچ گونه ساختمان مسکونی را آشکار نساخته اند. گوبکلی تپه ظاهراً مرکز منطقه ای بوده که جوامع انسانی به جهت انجام شعائر مذهبی پیچیده خود، یکدیگر را ملاقات می کردند. لایه جوانتر گوبکلی تپه به ۹ هزارسال ق.م (با آزمایش کربن ۱۴) تاریخگذاری شده است. این نشان می دهد که بعضی گیاهان و جانوران اهلی شده، بیشتر در طول این هزاره مورد استفاده قرار می گرفتند (Schmidt, 2010) و استقرارگاه هایی نظیر نوالی چوری که در ۵۰ کیلومتری شمال گوبکلی واقع است - محوطه ای که اکنون با آبگیری سد آتاتورک در ۱۹۹۲ به زیر آب رفته است - در این مدت ساخته شده بودند (Hauptmann, 1991/1992; 1993).

لایه II گوبکلی تپه نیز بر خلاف نوالی چوری یک استقرار نیست، بلکه شامل یک سری محوطه های متبرک می باشد. بناهای مدور بزرگ لایه

برابری عمومی امکان پذیر نیست." و ادامه می دهد: "من تعجب نمیکنم اگر در آینده نزدیک، کسی یک جایی در هلال حاصلخیزی، مدرکی دال بر وجود کارگر برده بدست بیاورد. این می تواند نشانگر یک برده داری ابتدایی باشد، چون به طور سنتی اینطور تصور میشده که جوامع شکارگر- جمع آورنده به برابری عمومی معتقد بودند و برده داری نمی کردند. به هر صورت، به طور کلی این اعتقاد وجود دارد که در اینجا یک طبقه عالی از رهبران مذهبی ناظر بر امور بودند و به اجرای هر عمل شعائری کنترل داشتند. با این وصف، این مکان قدیمیترین مدرک شناخته شده در باره یک دژ کاهنی می باشد - بسیار قدیمتر از توسعه اینگونه تمایزات اجتماعی در نقاط دیگر خاور نزدیک (Curry, 2008).

در سال ۲۰۰۷ باستان شناسان فرانسوی که در جاده المقاره در شمال سوریه کار می کردند قدیمیترین نقاشیهای دیواری که تاکنون یافت شده را کشف کردند. اریک کوکیونو، باستان شناس دانشگاه لیون و سرپرست حفاری مزبور، درباره فرضیه اشمیت توضیح می دهد که با توجه به موقعیت خاص گوبکلی تپه، این محوطه مکانی بوده که به منظور اجرای جشنها، شعائر مذهبی و به اشتراک گذاری اندیشه ها مورد استفاده قرار می گرفته است. ولی او تاکید می کند که بررسیهای این منطقه هنوز در مراحل مقدماتی قرار دارند؛ "احتمال می رود در آینده افرادی در جایی دیگر چیزی بدست بیاورند که حتی شگفت انگیزتر از این باشد" (Birch, 2008).

کاوشهای ۱۹۹۸-۱۹۹۹ در نواحی شمالی نیایشگاه A در ترانسه های L9-66/76 متمرکز شده بودند. ستونهای ۶ تا ۹ در ۱۹۹۸ یافت شدند و ستونهای ۱۰، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ در ۱۹۹۹ به جمع آنها اضافه گردیدند. فرضیه اولیه مبنی بر تعلق ستونهای جدید به همان بنا یعنی "نیایشگاه ستون مار"، نتوانست مورد تأیید قرار بگیرد. ستونهای ۹ و ۱۰ که در مرکز محوطه می باشند، هر کدام دارای نقش برجسته یک روباه هستند (تصویر ۲۱). این مکان از دیوارهای سنگی ساخته شده است و شامل ستونهای ۶، ۷، ۸، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ می باشد. روی وجه جنوبی ستون ۶، نقش برجسته های یک خزنه و یک مار وجود دارند. روی ستون ۱۴ که بیشتر آن توسط دیوارهای این محوطه پوشیده شده، یک نقش برجسته که تاکنون غیر قابل توصیف مانده به چشم می خورد. ستونهای ۶، ۷، ۸، ۱۴ و ۱۶ آشکارا به طور شعاعی در ارتباط با دو ستون واقع در مرکز نصب گردیده اند. از این رو جهت ستون ۱۵ که موازی با ستونهای ۹ و ۱۰ قرار داشت، بسیار جالب می نمود. ستون ۱۵ درست در انتهای کاوش در هنگام تمیز کردن برش عمودی در قسمت غربی ترانسه یافت شد. در این نیایشگاه که به نام B شناخته می شود جای یک ستون در دیوار مقابل ستون ۱۵ خالیست که احتمال دارد درون بازوی ترانسه پنهان مانده یا توسط اعمال کشاورزان بعدی از بین رفته باشد (Ibid).

در شرق نیایشگاه B، برش غربی یک محوطه سومی که به نام نیایشگاه C معروف است و شامل ستونهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ می باشد، یافت شده است.

III با جایگزین شدن توسط اتاقهای کوچک مستطیلی شکل این لایه ناپدید شدند، ولی الگوی اصلی نیایشگاهها که برپایی ستونهای T شکل بود، کماکان باقی ماند. بنابراین اغلب ساختمانهای لایه دوم نیز می توانند به عنوان محوطه های آیینی شناسایی گردند. اما این فقط مقیاس معماری نبود که کاهش یافت بلکه تعداد و اندازه ستونها نیز تقلیل پیدا کرد؛ میانگین ارتفاع ستونهای لایه سوم، ۳/۵ متر است در حالیکه در لایه دوم تنها در حدود ۱/۵ متر می باشد (Schmidt, 2010).

"نیایشگاه ستون مار" که در ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ از ترانسه های L9-65/75 بدست آمد، اکنون بعنوان نیایشگاه A نامگذاری شده است. این بنا شامل ستون ۱ با نقش پنج مار، یک شبکه ای از مارها (؟) و یک قوچ (؟)؛ ستون ۲ با نقش یک گاو نر، یک روباه، یک لک لک و یک سر گاو (تصاویر ۱۷ و ۲۲) و ستون ۵ با نقش یک مار می شود. ستونهای ۳ و ۴ بدون هر گونه نقش برجسته ای می باشند. مجسمه های مختلفی در توده خاک پر کننده این نیایشگاه یافت شده اند (Comp, the catalogue Schmidt, 1999a). دو فقره تاریخ گذاری کربن ۱۴، زمانی حول و حوش ۹۰۰۰ ق.م را نشان می دهد (Kromer, Schmidt, 1998).^۳ ستونهای نیایشگاه A ظاهراً بخشی از یک محوطه چهارگوش یا بیضوی می باشند که برش جنوب شرقی آن به مقدار زیادی مضطرب شده است (Schmidt, 2000).

بدلیل کمبود مواد کربنی، تاکنون تاریخگذاری کربن ۱۴ بیشتری در دسترس نیست.^۳

تن را نشان می دهند) از معادن محلی و حرکت آنها تا مسافت ۱۰۰ تا ۵۰۰ متر به سوی محوطه مزبور، لازم بوده است (Schmidt, 2008). بزرگترین ستون T شکل که در یک معدن سنگ واقع در شمال فلات مزبور کشف گردید، وزنی بالغ بر ۵۰ تن دارد (Deutsches Archaeologisches Institut, 1997: 551. Fig.1). برآستی چه مقدار نیروی انسانی برای حمل چنان ستونهایی تا گوبکلی تپه لازم بوده است؟ به نظر می رسد تنها جلسات سازماندهی شده اجتماعات مختلف شکارگر-جمع آورنده، از قلمروهای پیرامون گوبکلی تپه، می توانستند زمینه انجام چنین کارهایی را فراهم بیاورند؛ جلساتی که ریشه های آیینی داشتند (Schmidt, 2000).

این محوطه، در آخر عمر خود، به طور عمده با خاک پر شده است. خاستگاه موادی که از این خاکها بدست می آیند مشخص نیست و تعیین منشا این مواد بی اهمیت نمیب اشد، زیرا فقط برای پر کردن نیایشگاه D در حدود ۵۰۰ متر مکعب خاک نیاز بوده است، بعلاوه اینکه درون این خاک آثاری وجود دارد که عمدتاً شامل تراشه ها و قطعات سنگ آهکی - معمولاً کوچکتر از اندازه اولیه - و تعداد زیادی مصنوعات، عمدتاً از سنگ چخماق، همچنین خرده های ظروف سنگی، سنگهای آسیاب و ابزارهای سنگ ساب دیگر می باشند (Schmidt, 2010). در کنار مصنوعات سنگی، تعداد زیادی استخوان های حیوانی وجود دارد که اغلب شکسته و در اندازه های کوچک هستند. استخوانها در درجه اول از غزال می باشند ولی از نظر میزان گوشت، گاو

بخش اعظم ستونهای ۱۱ و ۱۳ توسط دیوارهای ثانویه ای پنهان شده اند و تاکنون هیچ مدرکی از هر گونه نقش برجسته بر روی آنها موجود نمی باشد. ولی نقش برجسته های مختلفی روی وجه جنوب شرقی ستون ۱۲ وجود دارند (Schmidt, 1999b). روی بخش فوقانی T شکل، پنج پرند به دام افتاده در یک تور که تصویر حیوانات رام شده را نشان می دهد (یا خرهای آسیایی در حال جست و خیز روی تخته سنگها، چنانچه اخیراً توسط فون دن دریش مطرح شده است) به چشم می خورند (تصویر ۱۹). این اولین موجودیت یک ستون در لایه های اولیه با نقش برجسته هایی روی سطح کله ستون T شکل میباشد (Schmidt, 2000). تصویر شماره ۲۰ نیز ستون ۲۸ را که در فصول بعدی از همین نیایشگاه یافت شده، با نقوش دو گراز وحشی نشان میدهد (Peters and Schmidt, 2004).

با آزمایش رادیو کربن، پایان لایه III می تواند در ۹۰۰۰ ق.م تعیین شود؛ مراحل آغازین تا ۱۱۰۰۰ ق.م یا قدیمتر تخمین زده شده اند. لایه II تا حدود ۸۰۰۰ ق.م تاریخ گذاری شده است. لذا، بناهای مذکور به دوره پیش از سفال، متالوژی و اختراع نگارش یا چرخ برنمیگردند، بلکه آنها قبل از انقلاب نوسنگی ساخته شده اند، به بیان دیگر، در دوره آغاز کشاورزی و دامداری در حدود ۹۰۰۰ ق.م. ولی ساخت گوبکلی تپه به سازماندهی یک نظام پیچیده که تا بحال در جوامع پیش از نوسنگی دیده نشده است، دلالت دارد. باستان شناسان تخمین میزنند که وجود بیش از ۵۰۰ نفر برای استخراج ۲۰-۱۰ تن سنگهای ستون ها (در واقع بعضی توزینها بالای ۵۰

وحشی مهمترین گونه است. گونه های مهم دیگر، گوزن قرمز، گورخر، خوک وحشی و بزسانان وحشی هستند (Peters, Schmidt, 2004). هیچ حیوان یا گیاه اهلی شده ای وجود ندارد چرا که این نیایشگاه ها به دوره گذار از شکارگری و جمع آوری غذا به زندگی دهقانی در طول هزاره دهم و نهم در خاور نزدیک تعلق دارند. لازم به ذکر است که در میان مواد استخوانی داخل خاکهای پرکننده محوطه، استخوانهای انسانی نیز یافت شدند که شبیه به استخوانهای حیوانی بودند، یعنی به قطعات کوچکی خرد شده بودند. در حالیکه فرضیه انسان خواری بعنوان یک توضیح برای وجود استخوانهای مزبور در میان بقایای حیوانات شکار شده می تواند مردود نباشد، ولی بسیار محتمل است که این استخوانها نشانگر رفتار خاصی با بدن مردگان باشند؛ سستی که تعدادی از محوطه های نوسنگی بدون سفال در خاور نزدیک آنرا به نمایش می گذارند، و نیز احتمال دارد وجود استخوانهای انسانی در خاکهای پرکننده محوطه، فرضیه وجود تدفین های اولیه را در جایی در گوبکلی تپه قوت بخشد، تدفین هایی که پس از مدتی در جریان اجرای شعائر ویژه مرتبط با متوفی، باز شده بودند. در فصول اخیر کاوش، کشفیات جدید شگفت انگیزی در لایه III انجام گرفته است. در نیایشگاههای C و D که برای بیش از ده سال زیر کاوش بوده، سطح کار به کف رسید. یک کف موزاییکی نظیر سطحی که در نیایشگاه B کاوش شده بود آشکار گردید ولی در هر دو نیایشگاه کف مزبور همان صخره طبیعی بود که به دقت هموار شده بود.

مانند نیایشگاه E - موسوم به "Felsen tempel" که در خارج تپه در وجه غربی فلات واقع شده - دو پایه، در مرکز هر دو نیایشگاه C و D، جایی که یک جفت ستون T شکل مرکزی نصب شده بودند، از صخره مزبور بریده شده بود. ولی بر خلاف نیایشگاه E که هیچ ستون یا دیواری از آن باقی نمانده یا نیایشگاه C که ستونهای مرکزی آن در گذشته نابود شده اند، هر دو ستون مرکزی در نیایشگاه D بدون هیچ آسیبی حفظ شده اند و با ارتفاع خیره کننده ۵/۵ متر، برای بیش از ۱۱ هزار سال در محل اولیه خود ایستاده اند. تنها یک مشکل کوچک در ارتباط با ثبات آنها وجود دارد، زیرا شیب تپه باعث می گردد تا ستونها از حالت راست خارج شوند. بدون پشتیبان - یا اگر بهتر بگوییم بدون نصب مجدد هر دو ستون در یک حالت عمودی و ثابت - هر دو پس از تخلیه خاکهای پیرامونشان که نیایشگاه مزبور را در نتیجه دفن کردن در دوره نوسنگی بی سفال، تماماً پوشانده اند، خواهند افتاد (Schmidt, 2010).

اما، به نظر می رسد صنعت ابزار سنگی توده خاک پرکننده محوطه های لایه های قدیمی تر مربوط به پس از PPNB نباشند. غیر از بعضی خرده سفالهای قرون وسطایی یافت شده از سطوح اغلب فوقانی، هیچ یافته ای از سفال در لایه های جدیدتر موجود نمی باشد. بدلیل وجود آثار PPNA گوناگونی همچون پیکانهای نخیم، هلوان و اسود در توده خاک مزبور، یک تاریخگذاری پیش از PPNB برای این مکان نه تنها نمی تواند ناممکن باشد بلکه حتی احتمال آن بسیار زیاد به نظر می

بیشتری برخوردار می باشند. فقط دو نمونه از الخیام تاکنون یافت شده اند (Schmidt, 1998a). سرتیرهای نوالی چوری نیز موجودند ولی تعداد آنها بسیار اندک می باشند. تشابهات نزدیک شمایل نگاشتی گوبکلی تپه و نوالی چوری شگفت انگیز است. سرتیرهای نوالی چوری در سطوح پایینتر محوطه مذکور کاملاً رایجند (Schmidt, 1994). در نوالی چوری، مجسمه ها و ستونهای T شکلی یافت شده اند (Hauptmann, 1999a-c) که تشابهات نزدیکی را با سطوح جدیدتر گوبکلی تپه ارائه می دهند. همچنین به نظر میرسد سرتیرهای نوالی چوری در جرف الاحمر واقع در فرات سوری (Stordeur pers. com) نیز رایج باشند. تزیینات تصویری حکاکی شده روی ستونهای گوناگون و تخته سنگهای جرف الاحمر، ارائه دهنده تشابهات نزدیک شمایل نگاشتی با گوبکلی تپه می باشند. بدلیل اینکه لایه های I و II نوالی چوری از دوره PPNB هستند و جرف الاحمر یک محوطه PPNA است، تعداد اندک سرتیرهای نوالی چوری در گوبکلی تپه نباید نشأت گرفته از دلایل گاهنگاشتی باشد. سرتیرهای هلوان در گوبکلی تپه به تعداد زیاد موجودند. آنها در سطوح پایینتر توده خاک پرکننده نیایشگاه های A-C افزایش می یابند. تنوع مواد فرهنگی اسود نیز یافت می شوند (Schmidt, 1998a). وجود سرتیرهای هلوان می بایست به روشنی تصدیق کننده وجود لایه های PPNA در سطح زیرین تپه مزبور باشد، ولی هنوز نشان دادن اینکه لایه های ساختمانی می توانند دقیقاً تا این دوره تاریخگذاری شوند ممکن نیست. اما دو

رسد. اما آنالیز مقدماتی سنگهای مذکور بدلیل اینکه تاکنون هیچگونه آثاری از زیر خاک بدست نیامده اند، درست نمی باشد. تمامی این آثار به توده خاک پرکننده نیایشگاه ها تعلق دارند که نمی توان به طور یقین آنها را به یک سطح یا لایه معینی منتسب کرد. این شگفت انگیز است که هیچ منبع سنگ چخماقی روی فلات سنگ آهکی مزبور موجود نمی باشد؛ تمامی این سنگ ها می بایست از دره های همجوار به بالای فلات منتقل می شدند. افسوس که به غیر از بعضی نمونه های بسیار نادر آثار تیغه ای کاربردی نداشت. ترتیب گاهنگاری کلی بدین صورت است که، جدیدترین مواد فرهنگی، در ترانشه L10-51 روی نوک تپه بود؛ آثار میان سال در ترانشه L9-56 قرار داشتند و قدیمیترین آنها از ترانشه L9-66 بدست آمدند. داسها که کمیت شان در میان آثار قدیمتر کم و در آثار جدیدتر زیاد است، واقعا جالب هستند. اگر کسی دلیل وجود براقی تیغه آنها را به غلات نسبت دهد (علیرغم همه مجهولات درخصوص مواد دیگری که آثار سائیدگی مشابهی را بوجود می آورند)، به احتمال زیاد افزایش داسها می تواند با تفکر وجود کشاورزی ابتدایی در گوبکلی تپه مرتبط باشد (Schmidt, 2000).

درصد سرتیرها متفاوتند. دامنه آنها از ۱۵ تا حداکثر ۲۳٪ در ترانشه L9-56 می باشد. سرتیرهای بیبلوس و سرتیرهای نمریک کاملاً رایج می باشند. سرتیرهای بزرگ بیبلوس (گروه BAI Kozłowski, 1999) نیز یافت می شوند ولی بسیار کمیاب هستند؛ نمونه های کوچکتر، اغلب با یک شباهت جزئی به سرتیرهای نمریک، از کمیت

پژوهشی به منظور جستجوی "خاستگاه ها" یا قلمروهای مربوط به مصنوعات یافت شده در گوبکلی تپه، مورد استفاده قرار گیرند. اما به نظر می رسد که اندکی برای طراحی نقشه های نهایی مکانهای فرهنگی هولوسن اولیه خیلی زود باشد، چون این پژوهش، هنوز آماده ترسیم شجره خانوادگی کامل با تمامی ریشه ها، شاخه ها و ساقه های نوسنگی نمی باشد. بقایای شمال شرقی ترکیه به طور واقعی بررسی نشده اند (که این تنها دوره نوسنگی را شامل نمی شود) و در نواحی پونتیک، تصور می شود که در پژوهشها به محوطه های بدون سفال که در غارها قرار نگرفته اند توجه کمی شده است.

او. اورنشه و اس. کی. کوزلوفسکی یک اصطلاح جغرافیایی دیگری را به نقشه نوسنگی خاور نزدیک اضافه کرده اند: "مثلث طلایی" (Aurenche and Kozlowski, 1999). این منطقه شامل ناحیه تاوروس بین فرات علیا و دجله علیا، بلیخ و خابور علیا می شود. این دقیقاً همان منطقه ای است که توسط اچ. لوییس به میان رودان فوقانی نام گرفته بود (Luis, 1985)، جایی که دارای شرایط آب و هوایی مساعدی است و محوطه هایی همچون چای اونو و نوالی چوری کشف شده اند. در اینجا، بار دیگر گوبکلی تپه مطرح میشود، چون در "قلب" مثلث طلایی واقع شده است. با وجود نارضایتی فعلی درخصوص میزان دانش ما درباره گوبکلی تپه، این محوطه محرک جدیدی برای کشف مراکز آیینی مشابه در دوره نوسنگی اولیه در خاور نزدیک خواهد بود (Schmidt, 2000).

تاریخگذاری رادیوکربن در حدود ۹۰۰۰ ق.م، که قبلاً ذکر گردید، بخوبی با بدست آمدن سرتیرهای هلوان مطابقت میکنند. نمونه های مشخص اواخر PPNB نظیر ابزارهای چای اونو - که انحصاراً از افسیدین ساخته شده اند - یا سرتیرهای پالمیرا، آموک یا اوگاریت از گوبکلی تپه بدست نیامده اند. قطعات صیقلی شده تخت بسیار کمیابند. رویهم رفته این قویاً پیشنهاد میکند که پایان گوبکلی تپه به پیش از PPNB تاریخگذاری میشود. بررسیهای بیشتر ممکن است این عقیده را تغییر دهد ولی کمبود کلی سفال (غیر از خرده سفالهای قرون وسطایی) حداقل یک پایان پیش از دوره PN را نشان میدهد (Schmidt, 2000).

اس. کی. کوزلوفسکی "وجه شرقی هلال حاصلخیزی" را بعنوان یک همتای ناحیه لوانتی در وجه غربی معرفی مینماید. او سه فرهنگ اصلی همزمان را تشخیص داده است: فرهنگ تریالت شمالی، فرهنگ خیام لوانتی و فرهنگ نمریک شرقی. نقشه ها یک منطقه هسته ای را نشان می دهند، ناحیه ای لمس شده توسط هر سه فرهنگ: ناحیه ای حول و حوش اورفا. با وجود دانش ناکافی حاصل از کاوشهای اخیر در گوبکلی تپه، کوزلوفسکی نقشه هایی منتشر کرده است که می توانند بعنوان یک فرضیه کارا برای تعیین موقعیت جغرافیایی که افراد از آنجا به منظور شرکت در جلسات "المپیک" شان به گوبکلی تپه می آمدند استفاده شود: از راه دور در تمامی جهات. سرتیرهای کم الخیام، سرتیرهای اسود و نوالی چوری و تعداد زیاد سرتیرهای نمریک، شاید بتوانند به عنوان شاخصهایی برای چنین استراتژی

گوبکلی تپه بودند. او اعمال شامانی را مفروض قرار می دهد و پیشنهاد می کند که ستونهای T شکل احتمالاً ارائه کننده موجودات اسطوره ای و شاید نیاکان می باشند، این در حالیست که او می داند یک باور کاملاً متفاوت نسبت به خدایان تنها مدتها بعد در میان رودان و در ارتباط با معابد و کاخهای بزرگ توسعه می یابد. این به خوبی مطابق با باور یک سومری باستان است که کشاورزی، دامداری و بافندگی از کوه مقدس دو- کو که توسط خدایان آنونا - خدایان خیلی قدیمی بدون نامهای مجزا - مسکون شده بود، برای بشریت آورده شده اند. کلاوس اشمیت این داستان را به عنوان یک اسطوره بسیار قدیمی شرقی که یادگار بخشی از جهان بینی و ذهنیت بدوی دوره نوسنگی می باشد تلقی میکند. همچنین بیان می کند که تصاویر حیوانات و نقوش دیگر ویژگیهای صلح آمیزی دارند و هیچ نشانی از خشونت عمل مثل شکار را ارائه نمی دهند (Schmidt, 2006).

نقش برجسته های جانوری کاملاً طبیعت گرایانه هستند و شبیه به طیف جانوران آن دوره می باشند. اما جانوران حکاکی شده الزاماً نیازی به اجرای نقش خاصی در زندگی روزمره مردمان، مثل شکار، نداشتند. آنها بخشی از یک دنیای اسطوره ای بودند که ما پیشتر در نقاشی غاری با آن روبرو شده بودیم. مطلب مهم اینست که در این زمان هنوز مخلوقات اسطوره ای یا افسانه ای نظیر سنتورها یا اسفینکس ها، اسب ها یا گاوهای وحشی بالدار، در شمایل نگاری و اسطوره شناسی اعصار پیش از تاریخ یافت نمی شوند. این مخلوقات، خاص فرهنگهای عالی

در حدود آغاز هزاره هشتم ق.م، "تپه شکم دار"^۵ اهمیتش را از دست داد. ظهور کشاورزی و دامداری موجب بروز وقایع جدیدی در زندگی مردمان این منطقه گردید و "جانوران عصر سنگ"^۶ نقاشی شده روی ستونها، ظاهراً اهمیت خود را برای جوامع قدیمتر و جستجوگر غذا در این ناحیه از دست دادند. سرانجام این مجموعه به طور عمدی زیر ۳۰۰ تا ۵۰۰ متر مکعب خاک دفن گردید. دلیل انجام این کار معلوم نیست ولی باعث گردیده تا این آثار برای نسلهای آینده حفظ شوند (Schmidt, 2010).

آثار هنری و نقوش روی ستونها

ستونها با نقوش جانوران وحشی متنوعی همچون گربه های درنده، گاوها، گرازهای وحشی، روباه ها، مرغابیها، لک لک ها، غزالها، خرهای وحشی، مارها، عنکبوت ها و عقربها تزیین شده اند. تا جاییکه مشاهده می شود، پستانداران حکاکی شده، همه مذکرند و این راز را باقی می گذارند که آیا تصاویر نقش بسته سرشت ستونهای مزبور بودند یا آنها بخشی از یک چرخه اسطوره ای به شمار می رفتند. آنها احتمالاً یک وجهه حفاظتی داشتند و بعنوان نگهبان خدمت می کردند، یا - شاید بطور محتمل تر - بخشی از یک داستان ترسناک، چیزی بسان دوزخ دانه^۷، می باشند (Schmidt, 2010).

اشمیت بر اساس مقایسه این محوطه با معابد و استقرارگاه های دیگر، مشغول بررسی بعضی تفکرات درباره سیستم اعتقادی گروه هایست که خالق

^۵ Potbelly Hill

^۶ اصطلاحیست از اشمیت

^۷ دوزخ، برزخ و بهشت؛ سه منظومه جاوید از دانه آلیگیری که داستان عروج ملکوتی او را در ۱۳۰۰ میلادی بیان می کنند. م.

عدد - بدست آمده اند که بالغ بر ۹۰٪ آنها انسان نما هستند و اشکال زن و مرد به تعداد برابر در میان آنها وجود دارد (Morsch, 2002). اما، فقدان کلی پیکرک گلی در گوبکلی تپه بسیار حیرت انگیز و غیر معمول است. این مطمئناً انعکاس دهنده عملکردهای متفاوت بناهای آیینی در هر منطقه ای می باشد: در حالیکه بناهای گوبکلی تپه یک ارتباط احتمالی را با سنت های تدفین نشان میدهند، در نوالی چوری امکان برقرار بودن یک استقرار روستایی و زندگی همیشگی وجود دارد. استفاده از گل بعنوان ماده ای برای مجسمه های مونث و مذکر که در اینجا یافت شده اند، بدون اهمیت نیست. همچنین مجسمه های سنگی کوچکتری که بدست آمده اند یک تفاوت کلی و یک شمایل نگاری غنی تری را که مجموعه نقوش مرتبط با مجسمه های سنگی بزرگ و نقش برجسته های گوبکلی تپه نشان میدهند، به نمایش می گذارد (تصاویر ۲۶ تا ۳۰) (Schmidt, 2010).

اکنون روشن است که مجسمه های T شکل یک هویت انسان نمایی دارند، ولی آنها چه کسانی هستند؟ بدلیل اینکه صورتهای آنها هیچگاه حکاکی نشده اند، به نظر می رسد که موجودات غیر انسانی مافوق طبیعی و از دنیای دیگری می باشند. تا کنون بدون شک، اندیشه ای که در پس موجودات گرد آمده در گوبکلی تپه وجود دارد، ناشناخته مانده است. یک تعدادی اشکال شبه انسانی تصویر شده در گوبکلی تپه که شامل نقش برجسته زنی برهنه در حالت چمباتمه است توسط اشمیت به ونوس آکویلانت، یافت شده از دوره نوسنگی شمال آفریقا، تشبیه گردیده اند. برای بعضی از ستونهای T شکل،

تری هستند که بعدها ظاهر شدند. در اینجا لازم به ذکر است که موجودات انسان نما با سر حیوانی، گروهی که می توانند زیر عنوان "دیو-بز" قرار گیرند، پیشتر در هنر پارینه سنگی فوقانی شناخته شده بودند (Schmidt, 2001) ولی تا کنون در گوبکلی تپه دیده نشده اند. استثنای دیگر، "پرنده-مرد" است، مجسمه ای که در نوالی چوری بدست آمده و ماهیتش هنوز روشن نیست (Hauptmann, Schmidt, 2007).

در گوبکلی تپه کمبود نقوش مونث در هر دو تصاویر انسانی و حیوانی مشهود است. تنها یک استثنا وجود دارد - زن گردن درازی که روی یک تخته سنگ مابین ستونهای موسوم به شیر حکاکی شده است (تصویر ۳۹) (Schmidt, 2006)، ولی به روشنی پیداست که این نقش بخشی از تزیین اصلی نیست بلکه به احتمال بیشتر متعلق به گروهی از حکاکی هاست که می توانند در زمره نقاشی دیواری قرار گیرند (Schmidt, 2000).

اغلب حکاکی ها روی سطح صاف ستونها می باشند ولی بعضی ها سه بعدی هستند (تصویر ۳۱). در طی فصل حفاری ۲۰۰۶ نمونه جالبی بدست آمده است؛ یک جانور خزنده که روی وجهی از یک ستون به سمت پایین در حرکت است، نشان می دهد که خالق این اثر، یک استاد هنر حکاکی سنگ به همان زیبایی حکاکیهایی که ما می توانیم از هزاران سال بعد در سومر و مصر ببینیم، بوده است (تصویر ۲۴) (Coppens, 2009).

در نوالی چوری پیکرک های گلی که در هیچ جای دیگر یافت نشده اند، به تعداد زیادی - ۷۰۰

کمر بند دیده می شود و روی ستون شرقی تزئیناتی به شکل H و C روی کمر بند مزبور وجود دارد (تصاویر ۱۰ و ۱۱). ولی ویژگی جالبتر اینست که یک تکه پارچه که از کمر بند آویخته جلوی ناحیه جنسی او را پوشانده است - پاهای عقبی و دم موجودی که ظاهراً روباه است به چشم می خورد. با وجودیکه تکه پارچه مزبور جلوی ناحیه جنسی این دو نفر را پوشانده و جنسیت آنها معلوم نیست ولی چون پیکرکهای گلی گوناگونی با کمر بند که از محوطه نوسنگی پیش از سفال نوالی چوری بدست آمده اند همگی مذکر هستند (Morsch, 2002) به احتمال زیاد، به نظر می رسد که جفت مجسمه های نیایشگاه D نیز مذکر باشند. دو نقش انسانی، یکی روی ستونی از نیایشگاه D که یک مرد بی سر را با آلت تناسلی نعوظ یافته نشان می دهد و دومی روی ستونی از نیایشگاه F دیده شده که مردی ایستاده را با گردن و سری دراز به تصویر کشیده است. بالای شخص مزبور سگ کوچکی است که به واسطه دمش، درحالیکه به سمت پشت او متمایل می باشد، قابل تشخیص است (Schmidt, 2010).

از گوبکلی تپه مجسمه ای متشکل از گروهی حیوان/ پرنده و سر انسان بدست آمده است (Schmidt, 1997/98)، این نقش احتمالاً با آیین جمجمه که در فرهنگ های نوسنگی بی سفال بخوبی مشهود است، در ارتباط می باشد. سرهای چهار مرد از گوبکلی تپه بدست آمده اند که احتمالاً متعلق به مجسمه های مشابه با مجسمه اورفا می باشند. اولی در ۱۹۹۸ در توده خاک پرکننده یک مجموعه ساختمانی، در قسمت فوقانی نیایشگاه A،

بازوهای حکاکی شده اند که احتمالاً نشانگر این می باشند که آنها انسانهای مسبک (یا خدایان انسان نما) هستند (Schmidt, 2006). اغلب یک نقش خاص روی ستونها به چشم می خورد: ۲ نوار تخت روی بدنه ستون دیده می شود، چیزیکه شبیه به یک شال می باشد و احتمال زیادی وجود دارد که این نقش نشانگر لباسی ویژه باشد. لباسی که تنها افراد بخصوصی اجازه پوشیدن آنرا داشته اند و عنصر مهمی از یک پوشش آیینی بوده است. شاید دکمه های سنگی که به مقدار زیادی تنها در گوبکلی تپه بدست آمده اند (Schmidt, 2005) از لباسی از همین نوع باشند. تفاوت جنسیت ها به طور عمد مشخص نشده است، زیرا مجسمه ها و نقش برجسته های دیگر یافت شده در محوطه، مدارک کافی جهت توانایی هنرمندان برای ایجاد آثار طبیعت گرایانه را ارائه می دهند (Schmidt, 2010). همچنین نقش مهمی را باید به جفت ستونهای وسط تمامی فضاهایی که بالاتر از ستونهای دیگرند نسبت داد. احتمالاً به نظر می رسد که آنها دو قلوهای هستند، چون دو قلوها یا دست کم جفت های خواهر یا برادر، موضوع رایجی در اسطوره شناسی می باشند (Levi-Strauss 1991; Meixner, 1995). ستون غربی مرکزی در نیایشگاه D، گردنبندی به شکل یک کله گاو و ستون شرقی مرکزی، گردنبندی به شکل یک هلال، یک دیسک و نقش برجسته ای از دو عنصر متضاد که مفهومان درک نشده، پوشیده اند. ستون شرقی، همچنین دارای نقش یک روباه است. هر دو ستون نقش کمربندهایی را درست زیر دست هایشان داشتند. در هر دو مورد یک سگک

تاکنون به دست آمده، سه تا از نیایشگاه C کشف شده است، به نام های A25, A29, A34 (تصاویر ۲۷ و ۲۹) و یکی در نیایشگاه A به نام A15. یک تخت سنگ آهکی، یک گراز وحشی را به حالت وارونه نشان می دهد (تصویر ۲۳). تخت سنگ مزبور در بخش جنوبی نیایشگاه C به حالت درست قرار داشته که احتمالاً بخشی از یک درب ورودی بوده است. روی ستون ۱۲ درست زیر نقش برجسته گراز وحشی سر یک روباه درحالیکه دندانهایش مشخص است وجود دارد (تصویر ۱۹). روباه ها نیز در گوبکلی تپه نقش رایج دیگری را به خود اختصاص می دهند. آنها یا به صورت تکی یا به همراه گونه های دیگر جانوری مثل گاوها و لک لک ها (ستون ۲) یا گاوها و مارها (ستونهای ۱ و ۲۰)، با یک روباه دیگر (ستون ۲۰)، یا با گوشتخواری دیگر، احتمالاً یک گربه سان (ستون ۲۲)، حکاکی شده اند. حضور این گونه روی ستونهای دوقلوی شماره ۹ و ۱۰ در نیایشگاه B و روی یکی از ستونهای دوقلوی انسان نمای شرقی نیایشگاه D به روشنی نقش مهم نمادگرایی را در دوره نوسنگی بدون سفال نشان میدهد (تصاویر ۱۲، ۱۹، ۲۱، ۲۲). در کنار روباه ها، نقش گوشتخواران دیگر نیز در گوبکلی تپه حکاکی شده اند. پوزه گوشتخوار قابل مشاهده روی ستون ۲۲ از نیایشگاه D پیشنهاد می دهد که شمایل نگاری لایه III شامل گربه سانان بزرگ بوده است (تصویر ۱۴). تعدادی از مجسمه های یافت شده گربه سانان بزرگ، حمایت کننده این فرضیه می باشند. مدرک روشنی برای وجود نقش گربه سانان (۲ مورد) روی ستونهای لایه II موجود است. درحالیکه بدن این

کشف گردیده است (Schmidt, 1999). برای این مجسمه نیز دهان حکاکی نشده است. دو نمونه دیگر هم وجود دارند که بخوبی حفظ نشده اند (A32, 50). چهارمی در بهار ۲۰۱۰ در توده خاک پرکننده، درست در شرق ستون ۳۱ و ستون مرکزی غربی نیایشگاه D در گوبکلی تپه کشف گردید. گردن این مجسمه بریده شده و آسیب هایی در قسمت اطراف دهان به آن وارد شده ولی مابقی سر مزبور بخوبی حفظ شده است. مکان یافتن آن می تواند وجود این سر را بعنوان یک پیشکشی در حین فرایند پر کردن نیایشگاه D توجیه نماید (تصویر ۱۸) (Schmidt, 2010)

در گوبکلی تپه مارها رایجترین نقش را تشکیل می دهند. نقش این خزندگان به طور کل، یا تکی، در گروه های کوچک سه، چهار، پنج تایی یا در گروه های ۱۲ تایی به همراه حیوانات دیگری که در کنار هم حرکت می کنند، به وجهی که گونه ای از الگوی موجی را بوجود می آورند، روی ستونها دیده میشود (تصاویر ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۳۶، ۳۵). در یک مورد ماری با دو سر یافت شده که سرها در دو انتهای بدنش قرار گرفته اند و به دو سمت نگاه می کند. این مارها دارای بدنی کلفت و کوتاه و سری تخت و سه گوش می باشند. نقوش مارها در سه نیایشگاه A، B، D یافت شده ولی تا کنون در نیایشگاه C دیده نشده است. در این نیایشگاه (C) ظاهراً خزندگان جای خود را به گراز وحشی داده اند. ۶ تا از ۷ نقش برجسته گراز های وحشی در اینجا یافت شده است که شامل نمونه بسیار زیبایی روی ستون ۱۲ می شود (تصاویر ۱۹ و ۲۰). از ۴ مجسمه گراز وحشی که

این مجسمه سنگ آهکی که یک متر و هشتاد سانتی متر بلندی دارد در دهه ۱۹۹۰ در شمال شهرک قدیمی بالیکی گول، جائیکه اماکن مقدس اسلامی مهمی در آن وجود دارند، کشف گردیده است (تصویر ۴۰). برطبق یک روایت محلی، ابراهیم نبی (ع) در غاری نزدیک به چشمه مزبور و دریاچه های همجوار آن متولد شده است. این مجسمه یک چهره دارد؛ چشمها، گودیهای هستند که تکه های ابسیدین سیاه با فشار وارد آنها شده اند. احتمالاً این موضوع حائز اهمیت است که دهانی برای این مجسمه حکاکی نشده است. مجسمه مذکور ظاهراً برهنه می باشد و دور گردنش گردنبندی V شکل وجود دارد. کاملاً مشخص نیست ولی به نظر می رسد دستهای عضو مردانه او را پوشانده اند. برای این مجسمه، پا ساخته نشده است. زیر بدنش یک بخش مخروطی شکل وجود دارد که به آن اجازه می دهد تا براحتی روی زمین بایستد، به طرز کاملاً مشابه با پیکرکهای سلسله های اولیه میانرودان باستان که در گوشه و کنار بناهای مقدس یافت شده اند (Rashid, 1983).

نتیجه

در حال حاضر گوبکلی تپه سوالات بسیاری را به نسبت پاسخ دهی به باستانشناسی و شناخت پیش از تاریخ، طرح می کند. ما نمیدانیم چطور نیرویی در این ابعاد وسیع، برای ساختن، افزودن و حفظ چنین مجموعه استواری بسیج شده و چگونه عایدی و قوتش در شرایط جوامع پیش از نوسنگی تامین شده است. به گفته میتن: سرمایه گذاری زمان و نیروی

حیوانات بیانگر شیر بودن آنهاست، ولی نبود یال و دسته موی انتهایی دم، موجب می شود تا به احتمال بیشتر آنها را پلنگ تشخیص دهیم. در کنار گاوها و گرازهای وحشی که گونه های جانوری دیگری می باشند که نقش آنها روی ستونها حکاکی شده است، نقش غزال روی ستون ۲۱ (تصویر ۲۵)، خر وحشی آسیایی روی همان ستون و احتمالاً روی ستون ۳۰ (تصویر ۱۵) و گوسفند وحشی روی ستونهای ۱ و ۳۳ قابل مشاهده می باشند (تصویر ۱۷). تاکنون سه تصویر شامل ۵ پرنده بزرگ که احتمالاً ارائه گر تعدادی لک لک هستند از ستونهای ۲، ۳۳ و ۳۸ دیده شده اند (تصاویر ۱۳ و ۳۴) (Peters, Schmidt, 2004). از نیایشگاه D ستونی به شماره ۴۳ کشف شده که روی آن نقوش کرکس و عقرب وجود دارند (تصویر ۹) و همچنین بخشی از یک ستون از همان نیایشگاه یافت شده که روی آن نقش گرگی در حال حمله و نشان دادن دندانهایش به همراه یک کرکس دیده می شوند (تصویر ۱۶). در کاوشهای سال ۲۰۱۰ نیز یک ستون موسوم به "ستون توتم" با نقش برجسته های بسیار یافت شده است که بسیار جالب توجه می نماید (تصویر ۳۷).

قدیمی ترین مجسمه انسان نما

بر اساس یک مجسمه سنگ آهکی کاملاً حفظ شده، با جنسیت مذکر که از اورفا، نه گوبکلی تپه، بدست آمده و به نوسنگی اولیه تاریخگذاری شده است، به نظر می رسد که سرهای سنگ آهکی، به احتمال بیشتر، مجسمه هایی از افراد مذکر هستند (Bucak, Schmidt 2003; Schmidt 2006).

جامعه جهت احداث این آثار و تزیین استادانه آنها بایستی احتمال داده شود (Schmidt, 2010). این سوال که این ستونهای بزرگ انسان نمای مسبک چه کسانی هستند هنوز به قوت خود باقیست چرا که ما نمیتوانیم به طور قطع بگوییم که آیا باور خدا در این دوره بوجود آمده بوده یا خیر. بنابراین کاربرد عموم این نیایشگاه ها هنوز به صورتی رمز آلود می باشد، اما روشن است که مجسمه های ستونی واقع در مرکز این نیایشگاه ها موجودات بسیار پر قدرتی را ارائه میدهند. اگر خدایان در اذهان مردمان نوسنگی اولیه به وجود آمده باشند یک احتمال بسیار ضعیف وجود دارد که T شکل مزبور، اولین تمثال خدایان بوده است (همان). اما مفهوم نقوش و علائم روی ستونهای گوبکلی تپه هنوز برای کسی معلوم نیست چرا که ۶۰۰۰ سال قبل از اختراع خط خلق شده اند (Birch, 2008)، با این وجود می توان به این نکته اشاره کرد که : "نمادها در میان چیزهای دیگر، قادرند عناصر ایدئولوژیکی خاص یک گروه را ارائه دهند یا اینکه علامت مشخصه گروه های خود باشند" (Rosenberg, Redding, 2002).

ما باید فرض کنیم که این محوطه جایی بوده که مردم از مناطق پیرامون، به احتمال زیاد به قصد انجام مراسم آیینی، جشن، مبادله و رقابت موقعیت به یکدیگر می پیوستند. چیزیکه گوبکلی تپه را حتی جالبتر جلوه می دهد اینست که این محوطه کمتر از ۳۰ کیلومتری کوه های کاراجا می باشد، جائیکه متخصصان علم ژنتیک پیشنهاد داده اند که خاستگاه گندم اینکورن اهلی است (Mithen, 2007).

انسانی برای خلق این محوطه بایستی بسیار عظیم بوده باشد (Mithen 2007) و دیگر اینکه ما هنوز نمی توانیم علائم تصویری را بخوانیم و یقیناً مفهومی که نقوش جانوری مذکور برای زائران این محوطه داشتند را نمی دانیم؛ تنوع جانوران بومی نقاشی شده، از شیرها و گرازها تا پرندگان و حشرات، هر توضیحی را مردد می کند (Peters, Schmidt, 2004).

گذار از یک شیوه زندگی (نیمه-) متحرک شکارگر- جمع آورنده غذا به سیستم تولید انبوه و موفق دهقانی کشاورزی- دامپروری، یک فرایند طولانی مدت و پیچیده بود که در میان عوامل دیگر موجبات ایجاد جوامع (نیمه-) یکجانشین را فراهم آورد، روندی که میزان کنترل اعمال شده توسط یک گروه انسانی را در یک قلمروی خاص، به همراه منابعش، منعکس می کند (Cauvin, 1979, 1997; Bar-Yosef, 2000). ظهور چنین جوامعی در شمال هلال حاصلخیزی به ۱۱ هزارسال قبل از میلاد تاریخ گذاری شده است (Peters, Schmidt, 2004).

آیینهای مختلف نیازمند بناهایی متفاوت جهت اجرای شعائر مذهبی خاص خود می باشند. بنابراین انجام اعمال تکراری در این بناها حاکی از عملکرد آیینی آنها میرباشد و کمبود یا فقدان وجود تدفین در این ساختمانها با بخشهای مدور، بیانگر کاربرد آیینی آنها در ارتباط با وجهه متفاوتی از زندگی اجتماعی است (Koutrafour, 2006).

گوبکلی تپه، دید تازه ای را به روی نوسنگی اولیه می گشاید : تخصصی شدن وظایف اعضای

پیچیده تر و طولانی مدت تری داشتند. احتمال بیشتری وجود داشت تا روستاییان با تشریک مساعی به این قبیل اهداف نائل شوند. اگرچه شعائر مذهبی بدوی همچون دفن اجساد مردگان، خلق هنر غاری و پیکرک سازی، ده ها هزار سال زودتر از ظهور مذاهب سازماندهی شده انجام می شده اند، ولی تنها ایمان به یک نظام آسمانی برای پیوند دادن این گروه های شکننده، جدید و بزرگ لازم بوده است. این باور همچنین می توانست موجبات تشکیل سلسله مراتب اجتماعی را نیز فراهم آورد. به هر شکل، نیروی پیوستگی اجتماعات متدین بیشتر از دسته های انسانی غیر هم کیش بوده است (Mann, 2011).

به هر روی واضح است که گوبکلی تپه منحصر به فرد نیست. درحالیکه روی این محوطه تمرکز زیادی صورت گرفته ولی به محوطه دیگری به نام کاراهان تپه در ۶۳ کیلومتری شرق اورفا، واقع در کوه های تک تک توجه زیادی نشده است. این محوطه در ۱۹۹۷ کشف شد و توسط باستان شناس، باهاتین چلیک از جامعه تاریخی ترکی مورد بررسی قرار گرفته است. کاراهان تپه که با وسعت ۳۲۵۰۰۰ متر مربع بزرگتر از گوبکلی تپه است و تا حدود ۹۰۰۰ تا ۹۵۰۰ ق.م تاریخگذاری شده، دارای یک تعدادی ستون T شکل با همان نقش برجسته های ماری و حکاکی های دیگری^۱ که نمونه آنها در گوبکلی تپه نیز قابل رویت هستند، می باشد. ستونهای سنگی مزبور که ۱,۵ تا ۲ متر از یکدیگر فاصله دارند و

این بناها، از گوبکلی تپه تا عین غزال و خيروکیتیا فقط ساختمانهای عمومی یا مراکز تجاری نیستند. اولین و مهمترین احتمال در مورد ماهیت آنها اجرای مراسم آیینی می باشد (تصاویر ۴۱ و ۴۲). این نیاز اجتماعی برای انجام شعائر مذهبی به منظور قبول و درک دنیای یکجانشینی جدید بود که بعنوان یک عامل محرک برای گردآوردن اجتماعات در محیطهای مطلوب کارکرد داشته است. در اینجا بنا بر گفته خانم کوترافوری از دانشگاه ادینبورگ که در خصوص بناهای مذهبی و تاثیر آیینهای اولیه بر روی اقتصاد جوامع پیش از تاریخ مطالعه می کند، بیان این نکته نیز جایز و حائز اهمیت است که آیین یک عامل فرامادی اقتصاد در آن دوره زمانی نبوده است. تجارت محصول گردهمایی های آیینی است. نیاز به آیین و منفعتهای حاصل از آن، اغلب اوقات انسانها را گرد هم می آوردند. وقتی گروههای زیادی دور هم جمع می شوند نیاز به آب بیشتری دارند. بنابراین آنها ترجیح می دهند در محیطهایی مطلوب گرد آیند. همچنین شعائر مذهبی مشترک نیازمند مکانهای عمومی است. این مراکز آیینی است که محلی اجتماعی برای انجام تجارت میشود نه بر عکس. بازار تجارت و اقتصاد توسط مرکز آیینی گرم می شود و به آن خدمت می کند (Koutrafour, 2006).

انسان شناسها معتقدند که مذهب سازماندهی شده عاملی برای حل تنشهای ناشی از یکجانشینی، کشاورزی و تشکیل جوامع بزرگ بوده است. در مقایسه با یک گروه کوچگر، اهالی یک روستا با انبار کردن غلات و ساختن خانه های دائمی، اهداف

^۱ سنگهای حکاکی شده دیگر شامل پیکر فرسوده یک مرد برهنه و سنگهای صیقلی شده با اشکال بزها، غزالها و خرگوشها می باشند.

روی زمین نصب شده اند منتظر باستان شناسی می باشند تا از حقیقت آنها پرده بردارد (Coppens, 2009).

منابع و مأخذ

- Aurenche O. et Kozłowski S. K. 1999. *La naissance du néolithique au Proche Orient ou le Paradis Perdu*. Paris : Errance.
- Bar-Yosef O. 2000. The context of animal domestication in Southwestern Asia, in Mashkour M., Choyke A. M., Buttenhuis H. and Poplin F. (eds), *Archaeozoology of the Near East 4A*. ARC-Publicatie 32, Groningen : 185-195.
- Birch N. 2008. "Göbekli Tepe in Turkey : A 1200-Year-Old Temple Complex". Nicholas Birch
|
Eurasianet.org
- Bucak E., Schmidt K. 2003. Dünyanın en eski heykeli. *Atlas 127: 36-40*.
- Çambel H. and Braidwood R. J. 1980. *The Joint Istanbul – Chicago Universities' Prehistoric Research in Southeastern Anatolia*. Istanbul: Edebiyat Fakültesi.
- Cauvin J. 1997. *Naissance des divinités, naissance de l'agriculture. La Révolution des symboles au Néolithique. Nouvelle édition*. CNRS Éditions. Paris.

سرانجام دفتر زندگی ستونهای سنگی عظیم گوبکلی تپه که همچون خدایان بلند قامتی به دور دستها خیره شده بودند پس از دو هزار سال عمر، با اتمام دوره فراپارینه سنگی و در آستانه ظهور نوسنگی در خاور نزدیک، بسته شد و بدینسان این نیایشگاه مقدس آخرین مردمان عصر پارینه سنگی زبرین با مدفون شدن زیر خروارها خاک به فراموشی سپرده شد. با وجودیکه شاید هیچگاه کسی نتواند بدرستی دلیل ترک این معبد باستانی را دریابد ولی باید اذعان داشت، برآستی مسئله اساسی در خصوص گوبکلی تپه فهم این موضوع نیست، بلکه بررسی نقش احتمالی آن در ابداع کشاورزی می باشد. کاری که کاون در دوران حیات خود به آن پرداخت و نام خود را در ردیف بزرگان باستانشناسی همچون گوردون چایلد و رابرت جان بریدوود، به عنوان کسی که اولین بار موضوع مذهب و معنویات را به موضوع کلیدی اهلی سازی در دوره نوسنگی شدن پیوند داد، ثبت کرد.

اشمیت معتقد است که اگر چه کاوشهای آینده یقیناً می توانند اطلاعات دقیقتری را فراهم بیاورند ولی برای درک یافته های جدید، باستان شناسان به همکاری نزدیک با متخصصان در دین مقایسه ای، فرضیه معماری و هنر، باستان شناسی ادراکی و تکاملی، جامعه شناس هایی که از فرضیه شبکه اجتماعی بهره می گیرند و دیگران نیاز دارند (Schmidt, 2010).

- ältesten Monumente der Menschheit. Begleitband zur grossen Landesausstellung Baden-Württemberg im Badischen Landesmuseum* 2007. Theiss. Stuttgart: 67-82.
- Hauptmann H. 1999c. Ausgrabungen im Euphratgebiet. In : Türe F. (ed.), *Auf der Suche nach verschwundenen Zeiten. Die Ausgrabungen des Deutschen Archäologischen Instituts in der Türkei* : 65-80. Istanbul : Yapı ve Kredi Kültür Sanat Yayıncılık.
- Heun M., Schäfer-Pregl R., Klawan D., Castagna R., Accerbi M., Borghi B. and Salamini F. 1997. Site of Einkorn Wheat Domestication Identified by DNA. *Science* 278 : 1312-1314.
- Koutrafouris V. G. 2006. Do pillars travel along with the obsidian? ...or is it vice-versa? Publication in : *Island dialogues: proceedings of the Postgraduate Cypriot Archaeology Conference (POCA), 2006*. Edinburgh: University of Edinburgh, Archaeology, Occasional Papers 21, edited by Andrew McCarthy.
- Kozłowski S. K. 1999. The Eastern Wing of the Fertile Crescent. Late Prehistory of Greater Mesopotamian Lithic
- Coppens P. 2009. "Göbekli Tepe : The World's Oldest Temple". *Nexus Magazine*, Vol. 16, No. 4 (June-July 2009).
- Curry A. 2008. "Göbekli Tepe : The World's First Temple?". *Smithsonian Magazine* (November 2008) | smithsonianmag.com
- Hauptmann H. 1991/1992. Nevali Cori. Eine Siedlung des akeramischen Neolithikums am Mittleren Euphrat. *Nürnberger Blätter zur Archäologie* 8: 15-33.
- Hauptmann 1993. Ein Kultgebäude in Nevali Cori. I Frangipane *et al.* (eds.), *Between the Rivers and over the mountains. Archaeologica et Mesopotamica Alba Palmieri Dedicata*. Rom: 37-69.
- Hauptmann H. 1999a. Yukari Mezopotamya'da erken neolitik dönen. *Anadolu Medeniyetleri Müzesi Konferansları* : 117-154.
- Hauptmann H. 1999b. The Urfa Region. In : Özdugan M. and Başgelen N. (eds). *Neolithic in Turkey. The Cradle of Civilization* : 65-86. Istanbul : Arkeoloji ve Sanat Yayınları.
- Hauptmann H., Schmidt K. 2007. Die Skulpturen des Frühneolithikums. In *Badisches Landesmuseum Karlsruhe, Vor 12000 Jahren in Anatolien. Die*

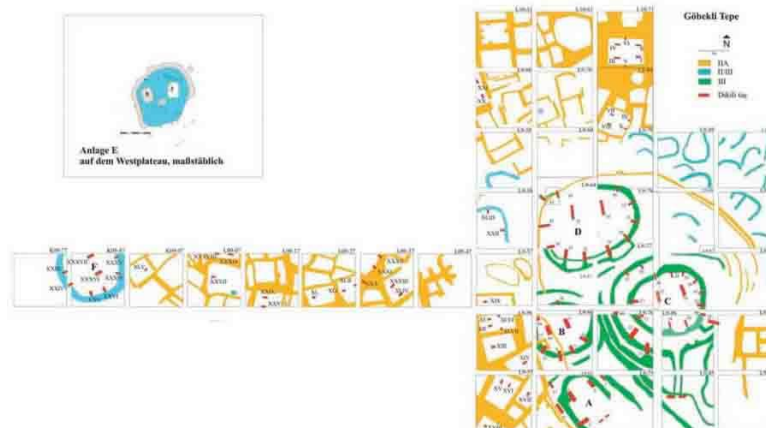
- Philosophical Transactions of The Royal Society, published 2007 : 705-718.
- Morsch M. G. F. 2002. Magic Figurines? Some remarks about the clay objects of Nevali Cori. In H.G.Gebel, B. D. Hermansen, C. Hoffmann Jensen (eds.), *magic Practices and Ritual in the Near eastern Neolithic*. Proceeding of a Workshop held at the 2th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near East (ICAANE) in Copenhagen 2000. Studies in Early Near eastern Production, Susistence, and Environment 8, ex oriente. Berline: 145-162.
 - Peltenburg E. J. and Wasse A. 2004. *Neolithic Revolution. New perspectives on Southwest Asia in light of Recent discoveries on Cyprus*. Levant Supplementary Series 1. Papers from a conference organized for British Research in the Levant in collaboration with the Department of Antiquities, Cyprus. OxbowBooks. Oxford.
 - Peters J., Schmidt K. 2004. Animals in the Symbolic World of Pre-pottery Neolithic Göbekli tepe, South-eastern Turkey: a Preliminary Assessment. Industries. *BAR Int. Ser.* 760. Oxford.
 - Kromer B. and Schmidt K. 1998. Two Radiocarbon Dates from Göbekli Tepe, South Eastern Turkey. *Neolithic. A Newsletter of Southwest Asian Lithics Research* 3/98 : 8-9. Berlin : ex oriente.
 - Levi-Strauss C. 1991. *Histoire de Lynx Librairie Plon, Paris – Deutsche Übersetzung 1993: Die Luchs Geschichte. Zwillingsmythologie in der Neuen Welt*. Carl Hanser, München – Wien.
 - Linsmeier k. D. and Schmidt K. 2003. *Ein anatolisches Stonehenge*. In: *Moderne Archäologie*. Spektrum-der-Wissenschaft-Verlag, Heidelberg 2003, 10–15.
 - Luis H. 1985. Landeskunde der Türkei, vornehmlich Aufgrund eigener Reisen. *Erkundliches Wissen Beihefte* 73. Stuttgart: Steiner.
 - Mann c. 2011. “*The Birth of Religion : The World’s First Temple*”. National Geographic, Vol. 219, No. 6 (June 2011) : 34-59.
 - Meixner G. 1995. *Frauenpaare in Kulturgeschichtlichen Zeugnissen*. Frauenoffensive, München.
 - Mithen S. 2007. *Did farming arise a misapplication of social intelligence?* In :

- die Bilderwelt des obermesopotamischen Frühneolithikums. *Nürnberger Blätter zur Archäologie* 14 : 155-170.
- Schmidt K. 1998a. Frühneolithische Tempel. Ein Forschungsbericht zum Präkeramischen Neolithikum Obermesopotamiens. *Mitteilungen der Deutschen Orient-Gesellschaft* 130 : 17-49.
- Schmidt K. 1999b. Boars, Dugs and Foxes. The Urfa-Project 99. *Neo-Lithics. A Newsletter of Southwest Asian Lithics Research* 3/99 : 12-15.
- Schmidt K. 2000. *Göbekli Tepe, Southeastern Turkey. A preliminary Report on the 1995-1999 Excavations*. In: *Paléorient* CNRS Ed., Paris 2000: 26.1, 45-54.
- Schmidt K. 2001. "Ziegendämon". *Archäologie und Religionsgeschichte*. In R. M. Boehmer, J. Maran (eds.), *Lux Orientis. Archäologie zwischen Asien und Europa. Festschrift für Harald Hauptmann zum 65. Geburtstag*, Rahden: 381-388.
- Schmidt K. 2004. "Frühneolithische Zeichen vom Göbekli Tepe". *TÜBA-AR VII*. 2004 : 93-105.
- Schmidt K. 2005. Die "Stadt" der Steinzeit. In H. Falk (ed.), *Wege zur Stadt-Entwicklung Anthropozoologica* 39.1: 179-218.
- Rashid S. A. 1983. *Gründungsfiguren im Iraq. Prähistorische Bronzefunde Abteilung I Band 2*. Beck. München.
- Rosenberg M. and Redding R. 2002. *Hallan Cemi and Early Village Organization in Eastern Anatolia*. In : *Fundamental Issues in Archaeology, Life in Neolithic, Farming Communities, Social Organization, Identity and Differentiation*. edited by Ian Kuijt. Kluwer Academic Publishers : New York, Boston, Dordrecht, London, Moscow. Pp.54.
- Scham S. 2008. "The World's First Temple". *Archaeology* 61.6 (November/December 2008)| archaeology.org
- Schmidt K. 1994. Nevalı Çori. Status of Research. In : Gebel H. G. and Kozłowski S. K. (eds), *Neolithic Chipped Stone Industries of the Fertile Crescent, Proceedings of the First Workshop on PPN Chipped Lithic Industries. Studies in Early Near Eastern Production, Subsistence, and Environment* 1 : 239-251. Berlin : ex oriente.
- Schmidt K. 1997/98. "Stier, Fuchs und Kranich" - der Göbekli Tepe bei Şanlıurfa(Südosttürkei) und

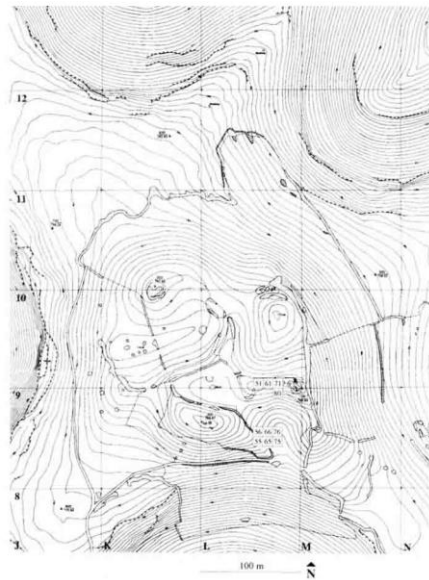
- und Formen urbane Lebens in der alten Welt. Vergleichende Studien zu Antike und Orient 2, Verlag Ute Hempen, Bremen : 25-38.*
- Schmidt K. 2006. *Sie Bauten die ersten Tempel. Das rätselhafte Heiligtum der Steinzeitjäger. Die archäologische Entdeckung am Göbekli Tepe.* C. H. Beck. München.
 - Schmidt K. 2010. *Göbekli Tepe – the Stone Age Sanctuaries. New results of ongoing excavations with a special focus on sculptures and high reliefs.* UDK 903.6 (5608) “633/634”: 636.01. Documenta Praehistorica XXXVII (2010) : 239-256.



تصویر ۱- محوطه گوبکلی تپه که در سال ۲۰۰۹ از سمت جنوب شرقی مشاهده می شود. (Schmidt, 2010 : 240)



تصویر ۲- گوبکلی تپه، نقشه شماتیک محوطه اصلی کاوش در دامنه جنوبی و برآمدگی غربی، وضعیت لایه نگاری سازه ها که در لایه های II/III به رنگ آبی ترسیم شده اند، نهایتاً تعیین نشده اند. (Schmidt, 2010 : 240)



تصویر ۳- نقشه توپوگرافی گوبکلی تپه. (Schmidt, 2000:47)

گوبکلی تپه : نخستین...



تصویر ۴- محوطه اصلی کاوش در دامنه جنوبی، بهار ۲۰۱۰، در جلوی تصویر نیایشگاه D فرار گرفته که بعد از آن نیایشگاه های A, B, C واقع شده اند (Schmidt, 2010 : 241 : 241)



تصویر ۵ - گوبکلی تپه، نیایشگاه C با دو ستون مرکزی که روی پایه هایی بریده شده از صخره طبیعی قرار گرفته اند، پاییز ۲۰۰۸ (Schmidt, 2010: 251)



تصویر ۶ - نیایشگاه D در پاییز ۲۰۰۹ از سمت غربی، در حال تدارک کار جهت استحکام بخشی به منظور راست ایستادن ستونهای مرکزی. (Schmidt 2010 : 242)



تصویر ۷ - محوطه درحال کاوش گوبکلی تپه. (Peters and Schmidt 2004:18)



تصویر ۸ - ستون ۳۱، ستون مرکزی نیایشگاه D به ارتفاع ۵/۳ متر پس از برپایی به حالت قائم، بهار ۲۰۱۰. (Schmidt 2010 : 243)



تصویر ۹ - گوبکلی تپه، ستون ۴۳ در نیایشگاه D. (Schmidt 2010 : 244)

گوبکلی تپه : نخستین...



تصویر ۱۰ - ستون ۱۸، ستون مرکزی شرقی نیایشگاه D به ارتفاع ۵/۴ متر، پس از برپایی به حالت قائم، بهار ۲۰۱۰.
(Schmidt 2010 : 243)



تصویر ۱۱ - کمر بند تزئینی ستون ۱۸ که از جهت جنوب غربی دیده می شود، بهار ۲۰۱۰. (Schmidt 2010 : 244)



تصویر ۱۲ - گوبکلی تپه، تصویر ستون ۲۰ از نیایشگاه D با نقوش مار، گاو و روباه. (Peters and Schmidt 2004: 190)



تصویر ۱۳ - گوبکلی تپه، تصویر ستون ۳۳ از نیایشگاه D با نقوش دو لک لک و خطوطی که نمایشگر مارها هستند.
(Peters and Schmidt 2004: 191)



تصویر ۱۴ - گوبکلی تپه، ستونی با نقش یک شیر.

(Scham 2008-Archaeological Institute of America)



تصویر ۱۵ - گوبکلی تپه، تصویر ستون ۳۰ از نیایشگاه D با نقوش مارها، یک چهارپا (گاو یا خر وحشی آسیایی) و یک پیکتوگرام.

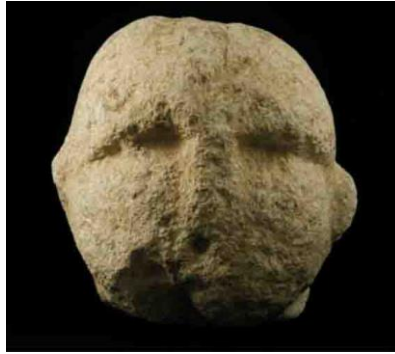
(Peters and Schmidt 2004 : 193)



تصویر ۱۶ - تکه ای از یک ستون حکاکی شده، که از خاکریز نیایشگاه D، در شمال ستون ۱۸ یافت شده است. (Schmidt 2010 : 245)



تصویر ۱۷ - گوبکلی تپه، تصویر دو ستون از نیایشگاه A، ستون ۱ با نقوش شبکه ای از مارها و گوسفند وحشی و ستون ۲ با نقش (Peters and Schmidt 2004 : 194) شاخهای گاو (؟)



تصویر ۱۸ - سر انسان در اندازه واقعی ساخته شده از سنگ آهک به ارتفاع ۲۳ سانتی متر. (Schmidt 2010 : 249)



تصویر ۱۹ - تصویر ستون ۱۲ از نیایشگاه C با نقوش جانورانی در تور (قسمت فوقانی) و یک گراز و یک روباه (قسمت پایین).

(Peters and Schmidt 2004: 195)



تصویر ۲۰ - تصویر ستون ۲۸ از نیایشگاه C با نقوش دو گراز وحشی.

(Peters and Schmidt 2004: 196)



تصویر ۲۱ - گوبکلی تپه، تصویر ستون مرکزی ۱۰ در نیایشگاه B.

(Peters and Schmidt 2004: 199)



تصویر ۲۲ - گوبکلی تپه، تصویر ستون ۲ از نیایشگاه A با نقوش گاو وحشی، روباه و لک لک.

(Peters and Schmidt 2004: 200)



گوبکلی تپه : نخستین...

تصویر ۲۳ - سنگ پنجره دارخرد شده ای با نقش برجسته یک گراز که به صورت واژگون تصویر شده است؛ تخته سنگ مزبور، ورودی درگاه (Dromos) جنوبی نیایشگاه C معرفی شده است. (Schmidt 2010 : 253)



تصویر ۲۴ - گوبکلی تپه، تصویر خزننده ای که از ستون پایین می رود.
(Scham 2008)



تصویر ۲۵ - گوبکلی تپه، تصویر ستون ۲۱ از نیایشگاه D با نقوش غزال و خر وحشی آسیایی.
(Peters and Schmidt 2004: 202)



تصویر ۲۶ - گوبکلی تپه، مجسمه یک انسان با ریش ساخته شده از سنگ آهک به ارتفاع ۶۶ سانتی متر. (Schmidt 2010 : 249)



تصویر ۲۷ - گوبکلی تپه، مجسمه یک گراز وحشی (A25) از نیاشگاه C.
(Peters and Schmidt 2004: 197)



تصویر ۲۸ - گوبکلی تپه، مجسمه یک چهارپای پا کوتاه ناشناخته.
(Peters and Schmidt 2004: 203)



تصویر ۲۹ - گوبکلی تپه، مجسمه نا تمام یک گراز وحشی (A34) بدست آمده از نزدیکی ستون ۲۴.
(Peters and Schmidt 2004: 197)



تصویر ۳۰ - گوبکلی تپه، مجسمه یک کرکس بدست آمده از توده خاک پر کننده لایه II.
(Peters and Schmidt 2004: 203)

گوبکلی تپه : نخستین...



تصویر ۳۱- نقش برجسته برآمده از یک جانور وحشی روی یک تخته سنگ به طول ۵۳ سانتی متر؛ احتمالاً بخشی از لبه یک سنگ پنجره دار می باشد که از توده غربی نیایشگاه D یافت شده است. (Schmidt 2010 : 253)



تصویر ۳۲- نیایشگاه B و سنگ پنجره دار در مرکز. (Schmidt 2010 : 252)



تصویر ۳۳- سنگ پنجره دار بسیار بزرگ واقع در جایی که یافت شده، در محوطه کاوش جدید روی برآمدگی شمال غربی تپه. مقیاس بکار رفته برای عکس ۰,۵ متر است. (Schmidt 2010 : 252)



تصویر ۳۴ - ستونی از نیایشگاه D با نقوش بسیاری از جانوران مختلف. (DAI Istanbul 10/2012 : 8)



تصویر ۳۵ - گوبکلی تپه، نقوش روی ستون ۳۳ از نیایشگاه D. (Schmidt, TÜBA-AR 2004 : 105)



تصویر ۳۶ - گوبکلی تپه، تصویر ستون ۳۳ از نیایشگاه D با نقوش مارها، حشرات و پیکتوگرام.

(Schmidt, TÜBA-AR 2004 : 105)



تصویر ۳۷ - یک "ستون توتم" که در اکتبر ۲۰۱۰ از گوبکلی تپه بدست آمده است. (Schmidt 2010 : 248)



تصویر ۳۸ - دید شرقی از بالای گوبکلی تپه به کوه های کاراجا، جاییکه به باور محققین علم ژنتیک خاستگاه اولین گونه های گندم اهلی است. (Mithen, The Royal Society 2007 : 712)

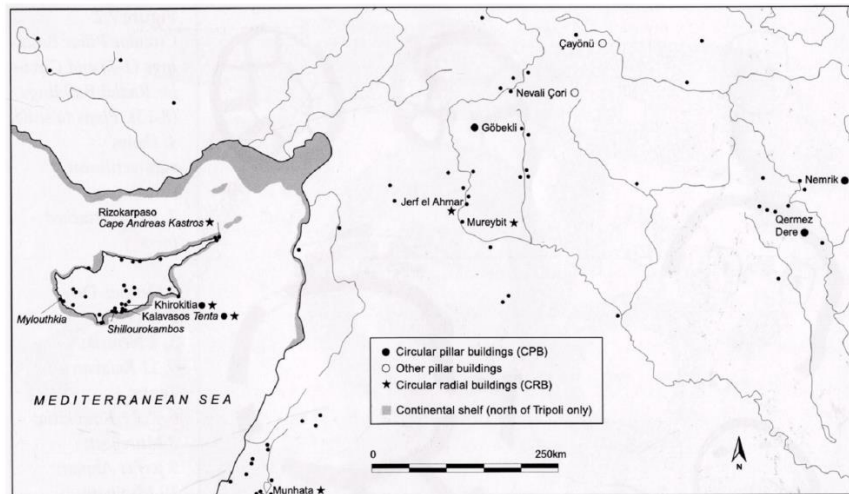


تصویر ۳۹ - گوبکلی تپه، نقش حکاکی شده یک شخص مونث که از لایه II بدست آمده است. (Schmidt 2010 : 246)

گوبکلی تپه : نخستین...



تصویر ۴۰ - مجسمه اورفا با قامت یک متر و هشتاد سانتی متر. (Schmidt 2010 : 246)



تصویر ۴۱ - نقشه محوطه های میانرودان، آناتولی، لوانت و قبرس که دارای بناهای ستون دار مدور، بناهای دایره ای و

بناهای ستون دار نوع دیگر می باشند. (Peltenburg 2004 : 73, Koutrafourı 2006 : 247)

Sites in the Mainland*		Sites in Cyprus	
Çayönü	c.10,000 - 6800 BC	Kalavassos-Tenta	c.7500 - 5800/5500 BC
Göbekli Tepe	c. 9600 - 8000 BC	Khirokitia	c. 7000/6500 - 5800/5500 BC
Nevalı Çori	c.8550 - 7950 BC	Cape Andreas-Kastros	c 5800 - 5500 BC
Nemrik	c.9800 - 7500 BC		
Qermez Dere	c.10,100 - 8800 BC		
Jerf El Ahmar	c. 9900 - 8800 BC		
Ain Ghazal	c. 7250 - 6000 BC (and PPNC: c.6000 - 5500)		
Munhata	7700 - 6500 BC		

شکل ۴۲ - گاهنگاری محوطه هایی با بناهای ستون دار و بی ستون مدور. (Koutrafourı 2006 : 248)